

نکاتی درباره نسخه های فتوح البلدان، بلاذری و گیاه بلاذر

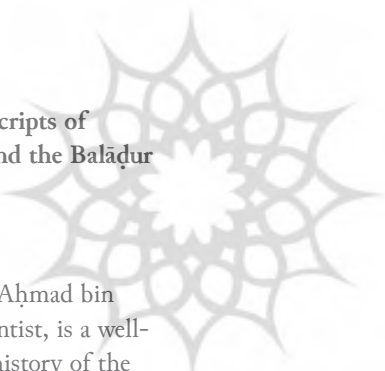
۱۶۵-۱۷۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده: فتوح البلدان اثر احمد بن یحیی بلاذری، دانشمند ایرانی، کتابی است نام آشنا برای مطالعه تاریخ فتوحات صدر اسلام. ترجمه ها و تصحیحات مختلفی از این اثر در دست است. با این حال، در شناخت نسخه ها و استفاده از آنها، پارای از کوتاهی ها و لغزش ها به چشم می خورد که در این نوشتار به صورت موجز به آنها اشاره خواهیم کرد. ترجمه های انگلیسی و فارسی اثر نیز از برخی کوتاهی ها رنج می برد. برای نمونه، در ترجمه های انگلیسی فتوح البلدان درباره روش کار و نسخه هایی که این ترجمه ها بر آن استوار است توضیحی ارائه نمی شود؛ در یکی از ترجمه های فارسی فتوح البلدان در بخش مقدمه کتاب درباره خاستگاه بلاذری مطالبی خلاف واقع ذکر می شود که آگاهی از آن تواند مفید باشد.

کلیدواژه ها: فتوح البلدان، بلاذری، بلاذر.



**Some Notes about the Manuscripts of
Balāḍurī's Futūh al-Buldān, and the Balāḍur
Plant**

Afshin Khosrothani

Abstract: Futūh al-Buldān by Aḥmad bin Yaḥyā Balāḍurī, an Iranian scientist, is a well-known book for studying the history of the early conquests of Islam. There are various translations and editing of this work. However, in understanding the manuscripts and using them, some shortcomings and slips can be seen, which I will briefly mention in this article. The English and Persian translations of the work also suffer from some shortcomings. For example, in the English translations of Futūh al-Buldān, there is no explanation about the translation method and the manuscripts on which these translations are based; In one of the Persian translations of Futūh al-Buldān, in the introduction section of the book, some untrue information is mentioned about the origin of Balāḍurī, which can be useful to be aware of.

Keywords: Futūh al-Buldān, Balāḍurī, Balāḍur

درباره فتوح البلدان

یکی از محققانی که در زمینه ویرایش و تصحیح منابع مکتوب خستگی ناپذیر ظاهر شد، بی گمان دخویه خاورشناس هلندی است. در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی دخویه شمار قابل توجهی از منابع مکتوب را ویراسته و به زبان لاتین ترجمه کرده است. فتوح البلدان یکی از آنهاست که دخویه آن را در سال ۱۸۶۶م به زبان لاتین برگرداند. برای این کار، دخویه دو نسخه در اختیار داشت که یکی در مجموعه شرقی دانشگاه لایدن و دیگری در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می شد. دخویه نسخه لایدن را با کیفیت تر از نسخه بریتانیا تشخیص داد و اساس کار خود را بر مبنای نسخه لایدن نهاد. با این حال با توجه به اینکه دخویه بیشتر عمر خویش را در لایدن بوده است، گمان می رود علت ترجیح نسخه لایدن از سوی دخویه، دسترسی آسان و راحت وی به این نسخه بوده است تا موضوع کیفیت این دو نسخه لایدن ۲۷۴ برگ دارد و به دلیل اندازه متن و فاصله بین خطوط، بزرگ ترین نسخه موجود است. صفحه عنوان به صورت ضخیم و به رنگ های سیاه و قرمز در میان نقش و نگارهای ساده و طلایی نمایان شده است. گفتنی است که نسخه لایدن تنها نسخه ای است که تذهیب دارد. (تصویر ۱) این نسخه دارای نشان ناشر است و احمد بن نعیم المقدسی در دهم محرم سال ۶۱۳ق (۲۹ آوریل ۱۲۱۶ میلادی) آن را نگارش کرده است. (Lynch ۲۰۲۰: ۲۷)



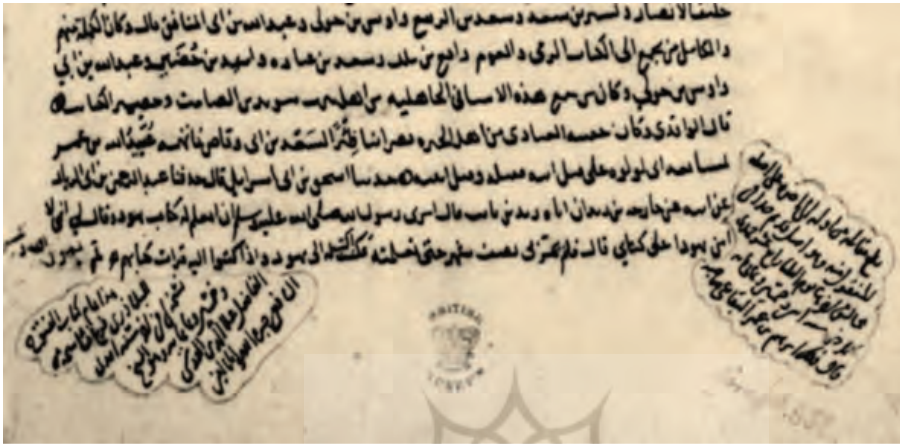
تصویر ۱
صفحه عنوان
تذهیب شده فتوح
البلدان (نسخه
دانشگاه لایدن)

نسخه موزه بریتانیا که کمتر مورد استفاده دخویه قرار گرفته، دارای ۱۰۱ برگ است و از لحاظ اعراب گذاری آبر نسخه لایدن برتری دارد. نسخه مذکور جدیدترین نسخه موجود است. این نسخه نیز دارای نشان ناشر است و تصدیق می کند که این نسخه رونوشتی است از یک نسخه قدیمی تر

1 . Colophon.

2 . Diacritic.

که تاریخ ۸۵۱ق را دارد. نشان ناشر این نسخه نشان می دهد که این نسخه متعلق به ابراهیم بن عمر البقایی (۸۸۵ق) خطیب سخنور و از دانشمندان حدیث و شاگرد ابن حجر عسقلانی است. (Ibid: 29 ریوسته)



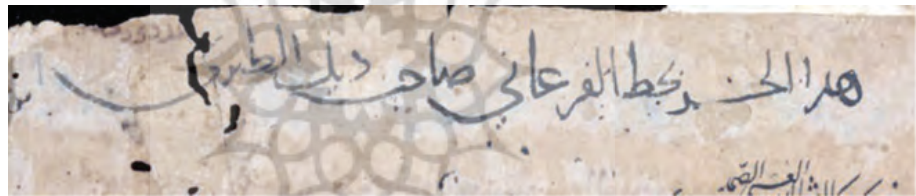
تصویر ۲
برگ ۱۰۱B نسخه
بریتانیا که نشان
ناشر در آن قابل
رؤیت است.

یکی دیگر از دانشمندانی که مانند دخویه زحمت ترجمه و ویرایش فتوح البلدان را به جان خرید، صلاح‌الدین المُنَجِّد، نویسنده و لغت‌شناس سوری بود. نسخه‌های دانشگاه لایدن و موزه بریتانیا نیز مورد استفاده المُنَجِّد بود و بر اساس آنها کار ویرایش خود را انجام داد. تاریخ شروع و پایان ویرایش المُنَجِّد چندان روشن نیست و تنها در بخش مقدمه، تاریخ ۱۹۵۶م را می‌توان دید. با مطالعه دقیق کار دخویه، المُنَجِّد به تصحیح اغلاطی که دخویه مرتکب شده است اذعان می‌کند، اما از ذکر همه آنها خودداری می‌کند تا به مقام دخویه بی‌احترامی نکرده باشد. (آذرنوش، ۱۳۴۶: ۲۷) المُنَجِّد به سه نسخه اشاره می‌کند که دو نسخه در دانشگاه لایدن و یکی در موزه بریتانیا است، اما واقعیت امر چیز دیگری است و این به دلیل برداشت ناصواب المُنَجِّد از متن لاتین دخویه حادث شده است و از بُن نسخه دومی در کار نبود و این تنها بر اثر خوانش ناصواب متن لاتین دخویه رخ داده است. استاد آذرتاش آذرنوش نیز بر اساس کار المُنَجِّد، به سه نسخه، دو نسخه در لایدن و دیگری در بریتانیا اشاره می‌کند که این از همان خوانش ناصواب متن لاتین دخویه از سوی المُنَجِّد سرچشمه می‌گرفت. (آذرنوش، ۱۳۴۶: ۲۵) در بخش مربوط به ترجمه پارسی فتوح البلدان استاد آذرتاش آذرنوش به تفصیل به آن خواهم پرداخت.

با این حال نسخه سومی در کار است، اما آن نسخه نه در دانشگاه لایدن، بلکه در دانشگاه ییل امریکا موجود است. این نسخه در بخش نسخ خطی و کتاب‌های نادر دانشگاه ییل نگهداری می‌شود. این نسخه را موریس جی‌سپ خریداری و در تابستان ۱۹۰۰م آن را وقف دانشگاه کرده بود و از آن زمان تا امروز زینت بخش مجموعه کارول لندپرگ دانشگاه ییل شده است. (Torrey 1903: 53) گفتنی است

که این نسخه در فراگرد ویرایش دخویه و المُنجد قرار نگرفت. بر خلاف دو نسخه لایدن و بریتانیا، این نسخه فاقد نشان ناشر است و این فقدان، کار تاریخ‌گذاری آن را دشوار کرده است. برخی از پژوهشگران تاریخ سده ششم هجری را برای این نسخه پیشنهاد کرده‌اند که چندان بر پایه شواهد مستدل و محکمه پسند نیست. (Nemoy 1956: 135) در ژانویه سال ۱۸۹۴م برای تعیین تاریخ‌گذاری نسخه فتوح البلدان دانشگاه ییل، مکاتبه‌ای میان کارول لندبرگ و دخویه انجام می‌شود. دخویه در صفحه عنوان کتاب به عبارت «این بخش به دست الفرغانی» برمی‌خورد، اما بدون هیچ‌گونه توضیحی مهم‌ترین قسمت متن «نویسنده [بخش] پیوست طبری» را که در ادامه عبارت: «این بخش به دست الفرغانی» آمده است نادیده گرفت. (Lynch 2020: 31; Al-Balādhurī 1866; Nemoy 1956) (تصویر ۳) این طبری کسی نیست جز محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق) نویسنده مشهور کتاب تاریخ پیامبران و شاهان که در قرن سوم هجری اثر ماندگار خویش را تألیف کرد. با توجه به این، منطقاً نسخه ییل قدیمی‌تر از دو نسخه دیگر است و چه بسا در اواسط قرن چهارم هجری کتابت شده است. ناگفته نماند که ابومحمد الفرغانی یکی از دانشمندانی است که ذیلی بر کتاب تاریخ پیامبران و شاهان طبری نوشته است. (تکمیل همایون، ۱۳۶۹: ۲۵۸؛ ناجی، ۱۳۹۳: ۲۶)

تصویر ۳.
برگ ۱۸ نسخه
دانشگاه ییل که
در آن نام الفرغانی
مشاهده می‌شود.
متن نسخه: «هذا
الخبر بخط
الفرغانی صاحب
ذیل الطبری».



کوشش‌های ثمین دخویه و المُنجد در ویرایش و شناساندن فتوح البلدان به جامعه علمی چندان کارساز نبود و چنان‌که بایسته است مورد التفات قرار نگرفت. علت اصلی آن، نشر این آثار به زبان لاتین و عربی بود و همین باعث شد تا مخاطب قابل توجهی پیدا نکند. در سال ۱۹۱۶م فیلیپ خوری حتی نویسنده لبنانی امریکایی ترجمه انگلیسی فتوح البلدان را به عنوان رساله دکتری در دانشگاه کلمبیا به انجام رساند. (Al-Balādhurī 1916) با انتشار این اثر بود که فتوح البلدان بیش از پیش مورد التفات قرار گرفت و اهمیت آن بیشتر درک شد. در ترجمه فیلیپ خوری حتی توضیحی درباره استفاده از نسخه‌های خطی فتوح البلدان و اینکه از کدامین نسخه استفاده شده است نمی‌یابیم. یادآوری این نکته لازم است که اثر فیلیپ خوری حتی جلد اول فتوح البلدان به شمار می‌آید. در سال ۱۹۲۴م فرانسیس کلارک مورگاتین جلد دوم آن را در انتشارات دانشگاه کلمبیا به طبع رساند. (Al-Balādhurī 1924)

فتوح البلدان در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و در حال حاضر دو ترجمه از آن وجود دارد، یکی

برگردان محمد توکل و دیگری برگردان استاد آذرتاش آذرنوش. ترجمه محمد توکل در سال ۱۳۳۷ش فرجام یافت، اما مترجم توضیحی درباره برگردان خویش و رویکردش پیش ننهاده است. نویسنده این سطور متن پارسی را با ترجمه های فیلیپ خوری حتی و فرانسیس کلارک مورگاتین مطابقت داده و مشخص شده که برگردان محمد توکل بر اساس دو جلد ترجمه انگلیسی فتوح البلدان انجام شده است. در واقع کار محمد توکل ترجمه ترجمه است. (توکل، ۱۳۳۷) گفتنی است ترجمان ایرانی بخش هایی از دو جلد ترجمه انگلیسی را باب طبع ترجمه نکرده است که این در فهم و درک جامع اثر تأثیر نامثبت گذاشته است. استاد آذرتاش آذرنوش در سال ۱۳۴۶ش ترجمه خویش را به طبع رساند. البته استاد آذرنوش همه فتوح البلدان را ترجمه نکرد و تنها آن بخش هایی را که مربوط به ایران بود برگردان کرد. با این حال توضیحی درباره رویکرد گزینشی خویش ارائه نکرده است. اساس برگردان استاد آذرنوش، چاپ های صلاح الدین المُنَجِد، محمد رضوان و عبدالله انیس الطباع و عمر انیس الطباع بوده است. ایشان دلیل این انتخاب را عدم دسترسی دائم به نسخه دخویه می داند. از سوی دیگر هر بار متوجه نقصانی می شد، به چاپ دخویه مراجعه می کرد. (آذرنوش، ۱۳۴۶: ۲۸) استاد آذرنوش به تفصیل به ترجمه ها و چاپ های فتوح البلدان پرداخته و محاسن و معایب هر کدام را بیان کرده است. (همان: ۲۵-۳۰) همان طور که قبلاً اشاره شد، ترجمه استاد آذرنوش نیز آن بخش هایی را که به ایران مربوط است در بر گرفته و از برگردان بخش های دیگر اثر اجتناب کرده است. اگرچه ترجمه چنین آثاری به زبان پارسی کاری است ارزشمند و درخور تحسین، این شیوه گزینشی از ترجمه باعث می شود خوانندگان پارسی زبان اهمیت اثر و جامعیت آن را درک نکنند و فتوح البلدان را یک اثر صرف تاریخی قلمداد کنند که تنها فتوحات را شرح می دهد. در حالی که این اثر در کنار فتوحات هر سرزمین، به مسائل به اصطلاح پشت جبهه نیز توجه داشته و آنها را به خوبی بیان کرده است.

بلاذر و بلاذری

درباره زندگی بلاذری و زادروزش اطلاعی نداریم و برخی از اظهار نظرها در حد فرضیه است و از حدس و گمان فراتر نمی رود. به بیان دیگر بلاذری در یک سال مجهول قمری زاده شده است، اما با توجه به اینکه بلاذری در زمان مأمون عباسی جوانی بیست و اندی ساله بوده است، برخی از مورخان و جغرافی دانان احتمال داده اند که بلاذری در اواخر قرن دوم هجری، بین سال های ۱۷۰-۱۸۰ ق چشم به جهان گشوده است. افزون بر این، سال وفاتش نیز چندان مستدل و دقیق نیست و سال ۲۷۹ ق را احتمال داده اند، اما این تاریخ نیز چندان دقیق نیست و باید در پذیرش این تاریخ محتاط بود و فوت بلاذری را زودتر از آن دانست، اما علت مرگش مورد التفات بوده و تفسیرهای زیادی درباره وفاتش شده است. کسانی چون ابن ندیم و ابن عساکر و ابن حجر عسقلانی علت مرگ بلاذری را نوشیدن گیاه بلاذر^۴ ذکر کرده اند. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۸۶) از آن پس این پندار نقل مجالس شد و کم و بیش آن

4. baladbur (Anacardium [marking-nut tree, marsh-nut]).

را پذیرفتند. گویا گیاه بلاذری برای تقویت حافظه و جلوگیری از فراموشی مفید بوده و اگر کسی آن را درست مصرف می کرده، به مقصود می رسیده و کامیاب می شده است.^۵ بلاذری قصه ما کامیاب که نشد هیچ، کارش به جنون کشیده شد و عاقبت دار فانی را وداع گفت! از آن پس او را به این سبب بلاذری خواندند. (آذرنوش، ۱۷: ۱۳۴۶) برخی این روایت را پذیرفتند و عده ای در صحت آن تردید و روایت های جایگزین را ارائه کردند. یاقوت حموی که از فتوح البلدان بلاذری بهره کافی برده از کسانی است که نوشیدن بلاذری توسط بلاذری را صواب نمی داند. یاقوت به نقل از الجهشیری در کتاب الوزراء و الکتتاب، نیای احمد بن یحیی بلاذری را که نزد خصیب، فرماندار مصر کاتب بوده نیز بلاذری نامیده است. (Lynch 2020: 37) در ترجمه استاد آذرنوش به نقل از یاقوت آمده: «نمی دانم کدام یک بلاذری نوشیده اند» (آذرنوش، ۱۷: ۱۳۴۶) و در ترجمه محمد توکل به نقل از یاقوت آمده: «پس نوشنده شربت بلاذری جد وی بوده است». (توکل، ۱۳۳۷: ۸-۹) محمد توکل در مقدمه خود بر کتاب فتوح البلدان از بلاذری سومی نیز نام می برد که نسبتی با دو بلاذری ذکر شده ندارد. بلاذری سوم کسی نیست جز ابومحمد احمد بن محمد بن ابراهیم بن هاشم طوسی بلاذری که از حافظان کتاب مقدس و علمای حدیث بود. بر اساس مقدمه محمد توکل، شرح حال ابومحمد بلاذری در متونی مانند الانساب، نوشته ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی و اللباب فی تذهیب الانساب ابن اثیر جزری آمده است. (همان: ۹) این مترجم با مردود دانستن فرضیه نوشیدن گیاه بلاذری به وسیله بلاذری، موضوع نام جای را مطرح می کند و بلاذری را مکانی در پهنه ایران می داند و به دو مورد اشاره می کند که در اینجا به صورت مستقیم آنها را می آورم: «نخست: دایرة المعارف قدیم روسیه تزاری که در آن بلاذری به عنوان ناحیه ای در بنگال معرفی شده بود. دومین منبع، تاریخ معروف الکامل نوشته ابن اثیر است که ذیل وقایع سال ۲۰۱ هجری تحت عنوان ذکر فتح جبال طبرستان و الدیلم می نویسد: در این سال عبدالله بن خردادبه والی طبرستان بلاذری و شیزر را که از بلاد دیلم اند، فتح کرد». (همان: ۱۰) درباره مورد اول اطلاعی ندارم، اما با بررسی کتاب تاریخ کامل، مورد دوم را به گونه ای دیگر یافتیم. در جلد نهم کتاب تاریخ کامل با عنوان «گشایش کوهستان های طبرستان و دیلم» آمده است: «در این سال عبدالله بن خردادبه فرماندار طبرستان از سرزمین دیلم لارز و شرزا را بگشود و کوهستان های طبرستان را نیز فرو ستاند و شهریار فرزند شروین را از آن فرود آورد». (ابن اثیر، ۱۳۸۱: ۳۸۵۵) در اینجا ما با مکانی به نام لارز مواجه هستیم نه بلاذری! علت نشانیدن واژه بلاذری به جای لارز از سوی محمد توکل

۵. خاستگاه اصلی گیاه بلاذری را هند ذکر کرده اند و امروزه نیز مورد استفاده است (Bos 1996: 229; Amar et al. 2014: 536). این گیاه برای طیف وسیعی از بیماری ها از جمله جنون، تب، دیسنتری، مشکلات قلبی، فراموشی، اختلالات عصب شناختی و غیره شفابخش بوده است. همچنین، مطالعات انجام شده بر روی این گیاه نتایج نویدبخشی در درمان سرطان نشان می دهد. در ادبیات مکتوب اسلامی و یهودی از خاصیت این گیاه در معالجه بیماران، نوع استفاده از آن و نحوه تهیه آن توضیحاتی ارائه شده که حائز اهمیت است. تهیه بلاذری دستورالعمل دقیقی دارد که اگر درست تهیه نشود خطر آفرین است. طبیبان به ماهیت و طبع گرم و خشک بلاذری و طبیعت سرد و مرطوب مغز اشاره کرده اند؛ متعاقب آن، استفاده بیش از حد مجاز بلاذری توسط اشخاص جوانی که سرشت گرمی دارند، می تواند به گرمی بیش از حد بدن و خشک شدن مغز بینجامد. (Bos 1996: 233) برای اطلاعات بیشتر درباره بلاذری، مقاله (داری محبوب قرون وسطایی برای تقویت حافظه نوشته خرت بُش مطالعه شود (Bos 1996: 229-236).

بر ما روشن نیست. با توجه به کسوت و مقامی که ایرانیان در دربار خلافت عباسی داشتند، به نظر می‌رسد بلاذری یک فرد ایرانی بوده و خاستگاه خاندانی وی را باید در ایران جست‌وجو کرد. می‌دانیم که بلاذری کتاب عهد اردشیر را از پارسی به عربی ترجمه کرد که حکایت از تسلط و شناخت وی از زبان پارسی دارد. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۸۶) از این رو منطقی به نظر می‌رسد که بلاذری فردی است با تبار و اصالت ایرانی که در دربار خلافت عباسی به عنوان منشی و ندیم مشغول به خدمت بوده است. بر روی هم می‌توانیم بلاذر را مکانی در ایران بدانیم که چندان شناخته شده نبود و به مرور به فراموشی سپرده شد و در قرون بعد داستان مصرف گیاه بلاذر برای توجیه لقب بلاذری باب شد.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین؛ تاریخ کامل؛ ج ۹، برگردان حمیدرضا آذیر؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ ج ۱ و ۲، برگردان محمدرضا تجدد؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی؛ فتوح البلدان؛ برگردان محمد توکل؛ تهران: نقره، ۱۳۳۷.
- بلاذری، احمد بن یحیی؛ فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)؛ برگردان آذرنوش؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- تکمیل همایون، ناصر؛ جایگاه طبری در تاریخ نگاری اسلامی؛ در یادنامه طبری؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ناجی، محمدرضا؛ تاریخ نگاری اسلامی، در تاریخ و تاریخ نگاری؛ محمدرضا ناجی و همکاران؛ چاپ چهارم، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۳.
- Amar, Z., Lev, E., and Serri, Y. (2014). "On Ibn Juljul and the meaning and importance of the list of medicinal substances not mentioned by Dioscorides." *Journal of the Royal Asiatic Society*, Vol. 24, No. 4, pp. 529-555.
- Al-Balādhurī. (1866). *Kitāb Futūḥ al-buldān*. Edited by M. J. de Goeje as *Liber Expugnationis Regionum*. Leiden: E. J. Brill.
- Al-Balādhurī (1916). *Kitāb Futūḥ al-buldān*. Translated by Philip Khuri Hitti as *The Origins of the Islamic State: Being a Translation from the Arabic Accompanied with Annotations Geographic and Historic Notes of the Kitāb Futūḥ al-Buldān of al-Imām Abu-l-'Abbās Aḥmad b. Jābir al-Balādhurī*, Vol. 1. New York: Columbia University Press.
- Al-Balādhurī (1924). *Kitāb Futūḥ al-buldān*. Translated by Francis Clark Murgotten as *The Origins of the Islamic State: Being a Translation from the Arabic Accompanied with Annotations Geographic and Historic Notes of the Kitāb Futūḥ al-Buldān of al-Imām Abu-l-'Abbās Aḥmad b. Jābir al-Balādhurī*, Vol. 2. New York: Columbia University Press.
- Bos, G. (1996). "Balādhur (Marking-Nut): A Popular Medieval Drug for Strengthening Memory." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 59, No. 2, pp. 229-236.
- Lynch, R. J. (2020). *Arab Conquests and Early Islamic Historiography: The Futub Al-Buldan of Al-Baladhuri*. I. B. Tauris.
- Nemoy, Leon (1956). *Arabic Manuscripts in the Yale University Library*. New Haven: Yale University Press.
- Torrey, C. C. (1903) "Special Collections in American Libraries: The Landberg Collection of Arabic Manuscripts at Yale University." *The Library Journal*, Vol. 28, pp. 53-57.